

## تحلیل سبکی روضه الکتاب با تکیه بر مقایسه تحیات و دعوت‌نامه‌ها

سحر مهرابی شریف‌آباد\*

تقی پورنامداریان\*\*

### چکیده

روضه الکتاب مجموعه‌ای از اخوانیات به جای مانده از قرن هفتم به قلم صدر قونیوی است. نثر این کتاب از خصوصیات کلی نثر مکاتیب قرن هفتم پیروی می‌کند. اخوانیات این کتاب موضوعات متفاوتی دارند، ولی در آن میان دو دسته تحیات (نامه‌هایی که صرفاً به قصد احوال‌پرسی و بیان دوستی نوشته شده‌اند) و دعوت‌نامه‌ها (خواندن دوستی به مهمانی) قابل توجه هستند. در این مقاله، به بررسی خصوصیات سبکی این دو پرداخته‌ایم و نشان داده‌ایم که دعوت‌نامه‌ها به رغم کمی تعداد، خصوصیات در لایه‌های واژگانی و نحوی و بلاغی دارند؛ از جمله استفاده از صورخیال، جمله‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر، و بسامد بالای واژگان حسّی که بیشتر با طبیعت و عشرت مرتبط هستند. این خصوصیات آنها را برجسته می‌کند و در خواننده تأثیر می‌گذارد.

**کلیدواژه‌ها:** روضه الکتاب، اخوانیه، تحیات، دعوت‌نامه، سبک‌شناسی.

### ۱. مقدمه

روضه الکتاب و حدیقه‌الالباب کتاب مجموعه شصت و هفت نامه است که صدر قونیوی، از منشیان قرن هفتم، در زمان حیات خود گردآورده است.

---

\* دانشجو دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)  
afaagh.86@gmail.com

\*\* استاد پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، namian@ihcs.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۰

وی در مقدمه کتاب می‌نویسد که از عنفوان جوانی به تحصیل کتب عربی و مطالعه ترسلات استادان ماضی برآمده و در آن فن مهارتی کسب کرده بود. انگیزه او در گردآوری مراسلاتش خواهش دوستان بود:

در بعضی اوقات به حسب سوانح امور به حضرت مخدومان و دوستان بر شیوة کتاب، مراسلات که بیشتر آن موقوف است بر اخوانیات، ارسال می‌کردم و مسودات آن بعضی به حکم اتفاق می‌ماند و بعضی را دست روزگار به ضیاع مقرون می‌گردانید ... و جماعت دوستان و عزیزان از این ضعیف التماس می‌کردند که آن مسودات را در سلک بیاض کشم و از آن سخنان مجموعی پردازم... و چون سؤال ایشان در آن باب مکرر گشت... به حکم المأمور معذور در لباس حیرت و قناع خجالت از مسوداتی که دست داد تألیفی کردم و آن را روضه الکتاب و حدیقه الألباب نام نهادم (قونیوی، ۱۳۴۹: ۵)

از نویسنده این کتاب اطلاع چندانی در دست نیست و دانسته‌های ما از او مبتنی بر آثارش است. او در مقدمه کتاب خود را «ابوبکر بن الزکی المتطبب القونی ملقب به صدر» می‌نامد. (همان: ۴) او پرورده و شاگرد بدرالدین یحیی - استاد ابن‌بی‌بی - بود و نامه‌هایی خطاب به او در کتابش دیده می‌شود. ظاهراً علاوه بر دبیری و ترسل، در پزشکی هم دستی داشته است و این علاوه بر نامه‌ها، از لقب او (متطبب) نیز مشخص است.

## ۲. طرح مسئله

نامه‌های روضه الکتاب اخوانیاتی هستند که بخش اعظم آنها عنوان «تحیت» دارند و موضوع کلی آنها پرسیدن احوال و بیان مسائل دوستانه است. در میان سایر نامه‌ها، دسته‌ای دیگر با موضوع «دعوت دوستان به مجلس انس» وجود دارد که علاوه بر خاص بودن ساختار، در سبک هم متفاوت هستند. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

یک: چه عاملی سبب می‌شود که این دعوت‌نامه‌ها به رغم تعداد کم در میان انواع نامه‌های دیگر توجه خواننده را به خود جلب کنند؟

دو: علاوه بر موضوع، چه عناصر سبکی و ساختاری سبب تمایز دعوت‌نامه‌ها از تحیت‌ها (به عنوان شکل سنتی اخوانیه) می‌شوند؟

در این بررسی، از شیوة سبک‌شناسی لایه‌ای (بررسی متن در لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی) استفاده خواهیم کرد.

### ۳. پیشینه تحقیق

روضه‌الکتاب برخلاف بسیاری از کتب منشآت چندان مورد توجه و بررسی نبوده‌است. میروود یونسی در سال ۱۳۴۸ این کتاب را بر مبنای سه نسخه تصحیح کرد و اطلاعاتی در مورد مؤلف و زبان فارسی در آسیای صغیر را در مقدمه آن آورد، ولی به بررسی زبانی و سبکی متن کتاب نپرداخت. پس از او محققان دیگری نیز به این اثر اشاره کردند، از جمله استاد ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران که بیشتر به زندگی و احوال او پرداخته و در توصیف نثر کتاب تنها به جملاتی اکتفا کرده است:

انشاء صدر در این نامه‌ها به تمام معنی بر شیوة مترسلان قرن هفتم نگارش یافته و دارای همان خصائص نثر ترسل و نثر مصنوع است که پیش از این شرح داده‌ام و باید اذعان داشت که صدر به خوبی از عهدۀ انشای نامه‌های خود به طریقه مترسلان بزرگ برآمده و نامه‌های او همه آراسته و زیبا و خوش عبارت و نشان‌دهنده اطلاعات وسیع نویسنده از ادب عربی و فارسی است (صفا، ۱۳۸۲: ۱/۳۲۷/۱۲۲۷)

دکتر محمدامین ریاحی در کتاب زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی این کتاب و مؤلفش را در چند سطر معرفی کرده، اما در مورد نثر آن تنها به جمله «نثری ساده و روان و شیرین دارد» اکتفا نموده است (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۲۷) الهامه مفتاح و وهاب ولی در کتاب نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه به این کتاب و مولف آن اشاره کرده‌اند، اما مطالب آنها تنها تکرار نوشته‌های ذبیح‌الله صفا و میروود یونسی است. (مفتاح و ولی، ۱۳۷۴: ۹۱-۹۳) در مقاله‌ای با عنوان حافظ-نامه (ردیابی برخی از ترکیب‌ها مضمون‌های شعر حافظ در نامه‌های دیوانی و اخوانی) برخی از عناصر و اصطلاحات در این کتاب (و سایر کتب ترسل) در اشعار نامه‌واره حافظ بررسی شده‌اند، ولی مقاله در بردارنده اطلاعاتی در مورد روضه‌الکتاب و نثر آن نیست. (احمدی دارانی و هراتیان، ۱۳۹۰: ۸، ۲۳، ۲۰، ۱۷، ۱۱).

### ۴. موضوع نامه‌ها در روضه‌الکتاب

همچنان که پیشتر گفته شد نامه‌های روضه‌الکتاب در زمرة اخوانیات هستند. اخوانیات موضوعات گسترده‌ای دارند که برخی از آن‌ها در کتاب‌های آیین دبیری آمده است: شکر، شکایت، تهنیت، تسلیت، اشتیاق، افتتاح به مکاتبت و غیره. (میهنی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۸ و خوبی، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۸۲ و ۳۱۸-۳۳۴) موضوع نامه‌های روضه‌الکتاب به شرح زیر است:

الف) حدود پنجاه درصد نامه‌های این کتاب، منشآت هستند که به پیروی از قونیوی آنها را «تحیات» می‌نامیم. منظور از تحیات، نامه‌ای است که هدف آن بیشتر برقراری ارتباط بین نویسنده و مخاطب است. در این نامه‌ها از موضوع خاصی سخن نمی‌رود. سلام و درود نویسنده به مخاطب فرستاده می‌شود، شرح اشتیاق او به دیدار مخاطب بیان می‌شود و در پایان آرزوی سلامتی یا درخواست پاسخ نامه می‌آید.

ب) دسته‌ای دیگر را «فراق‌نامه» می‌نامیم. صدر به اقتضای کار خود مدتی از قونیه دور و دل‌تنگ دوستان قونیوی خود بوده است. این نامه‌ها شرح فراق و اشتیاق نویسنده هستند.

ج) تهنیت و تسلیت که ده نامه را شامل می‌شود.

د) پنج دعوت‌نامه که موضوع آنها خواندن دوستان به مجلس انس است.

ه) موضوعات پراکنده؛ از جمله شفاعت، شکایت از دوستانی که به عیادت او نیامده بودند، سپاس و معارضه‌ای با یک «طاعن حسود».

و) رسالهٔ مناظرهٔ دل و دماغ که اصلاً نامه نیست و صرفاً به عنوان یکی از منشآت صدر در این کتاب آمده است.

نامه‌های دستهٔ دوم و سوم و پنجم، تشخیص ویژه‌ای ندارند. موضوع اصلی نامه در آنها به نثری آراسته بیان شده است. دعوت‌نامه‌ها به سبب ساختار تغزلی ویژه خود قابل توجه هستند. دستهٔ اول از سستی‌ترین ساختار اخوانیات که در کتب آیین دبیری آمده است پیروی می‌کنند. از این رو این دسته را به عنوان شاهد در نظر می‌گیریم و دعوت‌نامه‌ها را با آن مقایسه می‌کنیم.

## ۵. بررسی ساختار تحیات و دعوت‌نامه‌ها

در بخش ساختار به اجزای مختلف نامه و تناسب آن با شیوه‌های مطرح شده در آیین‌های دبیری پرداخته می‌شود.

### ۱.۵ ساختار تحیات

برخی کتب آیین دبیری به توصیف ساختار اخوانیات نیز پرداخته‌اند. توصیف کامل و دقیق این ساختار را می‌توان در کتاب فن نثر از استاد حسین خطیبی دید. رایج‌ترین ساختار اخوانیات- که در تحیات از آن پیروی شده است- این ارکان را شامل می‌شود:

الف) رکن صدر مکتوب: بخش آغازین نامه است که معمولاً شامل دعا و سلام می‌شود:

صدر نامه؛ و این ابتدای نامه را خوانند که بعد از تسمیه آغاز کرده شود، و ادب آن است که با بزرگان افتتاح سخن به دعا و ثنا کرده آید، پس هر چه بدیشان نبشته شود واجب دارند که زندگانی و دعا نیسند... و به اکفا مستحب است و اگر نیسند سبک داشتن شمارند و به کهتران روا بود اگر نیسند (میهنی، ۱۳۸۹: ص ۱۰)

صدر نامه علاوه بر دعا و ثنا می‌تواند موضوعات مختلفی داشته باشد؛ از جمله شروع با ابیات فارسی یا عربی یا توصیف و مضامین شاعرانه. (برای تفصیل در این باره □ خطیبی، ۱۳۸۶)

ب) رکن شرح اشتیاق: در این بخش نویسنده به بیان اشتیاق خود برای دیدار مخاطب و احوال خود در فراق او می‌پردازد. اخوانیات گاهی مستقیماً با شرح اشتیاق آغاز می‌شوند<sup>۱</sup> (خطیبی، ۱۳۸۶: ۴۲۱)

ج) خاتمه مکتوب: نامه‌ها معمولاً با جملات دعایی عربی یا فارسی ختم می‌شده‌اند. (خطیبی، ۱۳۸۶: ۴۲) میهنی شایسته می‌داند که نامه با ان‌شاءالله و صلوات و تحمید ختم شود:

بدان که درست است که هر سخن که تعلق به مستقبل دارد بر عقب آن کلمه استثناء گفته شود، چنان‌که گویی تا به موقع افتد ان شاء الله تعالی؛ تا تمام کرده آید ان شاء الله عزّ و جلّ و چون نامه ختم کرد والسّلام؛ و آن‌گاه زندگانی با همان القاب و خطاب که در صدر اثبات کرده‌بود، بنویسد و بر عقب آن تحمید و صلوات و کلمه اعتصام بنویسد (میهنی، ۱۳۸۹: ۱۶)

اخوانیات نسبت به سلطانیات از زبان ادبی‌تری برخوردار بودند و به خصوص در رکن شرح اشتیاق و توصیفات شاعرانه‌ای که گاهی در صدر مکتوب می‌آمد، به زبان شعر بسیار نزدیک می‌شدند. این ارکان در تحیات صدر قونیوی بدین شکل هستند:

- صدر مکتوب: اکثر این نامه‌ها با سلام یا دعا آغاز می‌شوند. این سلام و دعا گاه به صورت منثور و گاهی به صورت منظوم می‌آید.
- شرح اشتیاق: در روضة الکتاب شرح اشتیاق به سه صورت مختلف آمده است: در برخی موارد با جملاتی چنین به صورت مختصر از شرح اشتیاق می‌گذرد:

در بسط اشتیاق خوضی نمی‌رود و در تفصیل و تشریح اجزای آن شروعی نمی‌افتد، چه در کاری که حصول آن ناممکن و وجود آن مستحیل باشد عاقلان رغبت نکنند و در طلب اسباب آن اوقات خود مصروف نگردانند (قونیوی، ۱۳۴۹: ۸۷)

«اگر در شرح آرزومندی خوضی رود و در بسط آن اقدام افتد کوتاه‌نظران گمان برند و بیگانگان توهم کنند که مگر قابل حصر است و صلاحیت احصا دارد که در آن شروعی می‌رود» (همان: ۴۳)

چنین شیوه‌ای برای اغراق در اشتیاق کاتب به مخاطب کاربرد دارد.

گاهی شرح اشتیاق بعد از رکن صدر مکتوب و گاهی در آغاز نامه به صورت منظوم، مثنوی یا هر دو می‌آید. فراق‌نامه‌ها با ابیاتی در شرح فراق و اشتیاق شروع می‌شوند.

«نسیم باد صبا چون وزی سحرگاهی      به روضه‌ای که در او تودهٔ ریاحین است  
سلام من برسان نزد دوستان قدیم      بگو که صدر ز درد فراق غمگین است  
ز بس که اشک پیاپی ز دیده می‌بارد      ز خون دیده کنارش همیشه رنگین است»

(همان: ۱۴)

- بخش اصلی نامه: برخلاف نامه‌هایی که موضوع مشخصی دارند (دستهٔ سوم و پنجم) در تحیات این بخش وجود ندارد یا چندان مطوّل نیست. این بخش‌ها موضوع‌هایی چون آرزوی دیدار دوباره دارند.

- ختم مکتوب: خاتمهٔ نامه‌های قونیوی ویژگی خاصی ندارند. گاهی بلافاصله بعد از پایان بخش اصلی نامه، آن را به پایان می‌رساند و خود را مقید به استثنا یا دعا نمی‌کند. گاهی نیز نامه‌ها با دعا (در حدّ یک جملهٔ کوتاه) خاتمه یافته‌اند.<sup>۲</sup> گاهی نیز انتظار دریافت پاسخ نامه پایان‌بخش مکتوب است. (همان: ۱۰).

## ۲.۵ ساختار دعوت‌نامه‌ها

این نامه‌ها هیچ یک از ارکان فوق را ندارند. ساختار آن‌ها را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد:

- ابیات آغازین: این ابیات فارسی یا عربی مفاهیمی تغزلی دارند و در وصف طبیعت، شراب یا اغتنام فرصت هستند.

- توصیف مجلس انس: بسته به این که مجلس انس در چه فصل و شرایطی برگزار شده باشد، توصیفات دربارۀ آن می‌آید.
- دعوت مخاطب به مجلس: در این بخش نویسنده می‌گوید که مجلس انس بی‌حضور مخاطب صفایی ندارد و حضور او را درخواست می‌کند.

### ۶. بررسی سبکی دعوت‌نامه‌ها و تحیات

در بررسی سبکی این نامه‌ها، توجه به این نکته الزامی است که متون مورد مقایسه ما نوشته یک نویسنده، دارای موضوع کلی مشابه و متعلق به یک کتاب هستند. از این رو تفاوت‌های چشمگیر و بزرگی بین سبک نثر این دو دسته مشاهده نخواهد شد. اما تفاوت‌های اندک و کوچکی وجود دارد که در نهایت در چشم خواننده تمایزی اساسی را ایجاد می‌کند. در این بخش در پی یافتن این تفاوت‌ها و نقش آنها هستیم.

از میان تحیات‌های کتاب، چهار نامه برگزیده شد، تا از نظر حجم و تعداد در تناسب با دعوت‌نامه‌ها باشد.

### ۱.۶ لایه نحوی

در لایه نحوی به مباحثی از جمله جهت، ساختمان جملات و ترتیب اجزای جمله و صدای دستوری پرداخته می‌شود.

#### ۱.۱.۶ ساختمان جملات

ساختمان نحوی جمله در سبک نقش بسزایی دارد. میانگین واژه‌ها در جمله، بلندی و کوتاهی آن، روابط جمله‌ها با هم و سادگی و پیچیدگی، هم‌پایگی و وابستگی آن‌ها تنوع سبکی را پدید می‌آورند. براساس نوع پیوند جمله‌ها با هم، چهار نوع سبک نحوی پدید می‌آید:

الف) سبک گسسته: گروهی از اندیشه‌های مستقل که در جمله‌های کوتاه مقطع و مستقل بدون حرف ربط کنار هم قرار می‌گیرند.

ب) سبک هم‌پایه: از جمله‌های مستقل هم‌پایه که با حروف ربط هم‌پایه‌ساز کنار هم قرار گرفته‌اند تشکیل شده است.

ج) سبک وابسته: در این سبک جمله‌ها به هم وابسته‌اند، ولی تو در تو و پیچیده نیستند.  
د) سبک متصل و تو در تو: جمله‌های مرکب بسیار طولانی و پیچیده که از چند بند و جمله‌واره تشکیل شده‌اند. (□ فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۷۶-۲۷۸ و simpson, 2004: 59-62)  
سبک گسسته ساده‌ترین و سبک متصل پیچیده‌ترین متن را می‌سازند. در متون نثر فنی، عموماً از سبک‌های وابسته و متصل استفاده می‌شود.  
با بررسی جمله‌های روضة الكتاب، به این نکته می‌رسیم که نوع جمله‌ها در سراسر متن یکسان نیست. در آغاز تحیات بیشتر از سبک متصل استفاده شده است:  
این جملات گاه در وصف سلام و تحیتی می‌آیند که نثار مخدوم می‌شود:<sup>۳</sup>

همتی که مستدعی حصول معرفت عالم عزت و مستوجب احراز هدایت سبیل آخرت باشد و توفیقی که جالب مراضی و میامن رحمانی و قاید عواطف و مراحم سبجانی بود و بصیرتی که نتایج عواقب امور و اواخر احوال و اعجاز افکار را از سر ایقانی تمام و امعانی بالغ در مبادی وقوع ملاحظت کند و بسطتی که در ظل ظلیل آن عالمی از حرارت سموم افتقار و لوعت هاجرة احتیاج مرفه ماند... ذات بزرگ خداوند را که مستجمع اقسام فضایل و مستوعب انواع دانش است شامل باد (قونیوی، ۱۳۴۹: ص ۸؛ نیز □ همان ۱۸،۳۴-۱۰۹،۳۵)

گاهی جملات طولانی در وصف مخدوم و ذیل دعا به کار می‌روند:

آفتاب فضیلت خداوندگارم که در آسمان افادت علوم حقیقی و آفاق تعلیم مقدمات یقینی درخشان است و به برکت پرتو ضیاء و شعاع سنای آن عالمی از ظلمت شب جهالت به نور صباح معرفت می‌رسند و از لجة دریای ضلالت به ساحل نجات هدایت می‌یابند، از وصمت کسوت فنا در امان باری مصون باد (همان: ۲۲)

اما با رسیدن به سایر بخش‌های نامه، بسامد جمله‌های پیچیده کاستی می‌گیرد و جمله‌های مرکب و هم‌پایه بیشتر می‌شوند. این تغییر ساخت از سنت قدیم نگارش مکاتیب نشأت می‌گیرد. صدر مکتوب و شرح اشتیاق که در حکم مدخل نامه هستند آراسته و پیچیده نوشته می‌شوند؛ زیرا هدف اصلی آن‌ها تأثیر بر مخاطب است، نه معنی‌رسانی. اما بخش‌های دیگر نامه که به هدف انتقال پیامی به مخاطب نوشته می‌شوند، به مراتب ساده‌تر هستند.



در دعوت‌نامه‌ها با این که از جملات طولانی استفاده شده ولی اکثریت قریب به اتفاق جمله‌ها از نوع هم‌پایه یا مرکب هستند:

بندگان قدیم و چاکران دیرینه که همه داغ اخلاص بر جبین و مرکب انقیاد و اذعان زیر زین دارند، پنهان از حوادث روزگار و عوایق گیتی در گلستانی چون روضه بهشت دلگشا و جویباری چون سبزه عذار شاهدان زیبا حاضرند و شرابی به صفای ضمیر خردمندان و طیب مذاق حضور دوستان تناول می‌کنند از دست ساقی شیرین حرکات مطبوع شمایل و صفات (همان: ۱۳۰)

علت این تفاوت، هدف و مخاطب متفاوت این دو دسته است. مخاطب تحیات در اکثر نامه‌ها بزرگی است، ولی مخاطب دعوت‌نامه دوستی صمیمی است که می‌توان او را با رقعهای به مهمانی دعوت کرد.

در نظر مخاطب عام، کمی جمله‌های پیچیده ارتباط خواننده را با متن افزایش می‌دهد و سبب می‌شود که خواندن دعوت‌نامه‌ها نسبت به تحیات ساده‌تر باشد.

## ۲.۱.۶ وجهیت

وجهیت (modality) عبارت است از تلقی گوینده از چیزی با عقیده او در مورد میزان درستی مفهوم یک جمله. وجهیت بیانگر میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره است که به طور ضمنی به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود (simpson, 2004: 39)، کردچگینی، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

وجهیت می‌تواند در قید، صفت و فعل جمله نمود پیدا کند. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۹-۲۹۱) ما در این پژوهش بر وجوه فعل تمرکز کرده‌ایم. وجه فعل در کتب دستوری فارسی عموماً به سه دسته امری، التزامی و اخباری تقسیم می‌شود. (انوری، ۱۳۸۷: ۵۵/۱-۵۶) نظریه پردازانی مانند سیمسون این دیدگاه را توسعه داده‌اند و وجوه جمله را به دسته منفی و مثبت و خشی تقسیم کرده و در هر دسته زیرگروه‌هایی قائل شده‌اند. این نظریه بیشتر در بررسی روایت داستان کاربرد دارد. (کردچگینی، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۸۱، آقاگل‌زاده و پورابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۶) محمود فتوحی وجوه فعل را این گونه دسته‌بندی می‌کند: اخباری، التزامی (امر، نهی، شرط، توصیه، اجبار)، تمنایی (آرزو، امید، خواهش)، معرفتی (بیانگر آگاهی و شناخت گوینده) و عاطفی (بیانگر شور و احساسات گوینده) (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۸۹)

۱۴۰ تحلیل سبکی روضه الكتاب با تکیه بر مقایسه تحیات و دعوت‌نامه‌ها

به عقیده نگارنده دیدگاه فتوحی می‌تواند مکمل دیدگاه دستوری سنتی - با کمی تغییر - باشد، یعنی به سه وجه اصلی فعل، اخباری، التزامی (بیانگر شک و تردید و احتمال)، و امری (امر، نهی، اجبار) قائل باشیم و آن را با وجه تمنّایی تکمیل کنیم. گاهی نمی‌توان بین خواهش و دستور تفکیک قائل شد؛ از این رو بهتر است که خواهش نیز زیرمجموعه وجه امری باشد و وجه تمنّایی به آرزو و دعا اختصاص یابد.

جدول وجهیت در تحیات‌ها

امری	تمنّایی	التزامی	اخباری	
۱	۳	۶	۳۰	نامه ۱
۰	۴	۸	۱۹	نامه ۴
۰	۶	۱۷	۱۵	نامه ۱۰
۰	۱	۴	۱۰	نامه ۳۰
۱	۱۵	۳۲	۷۴	مجموع

می‌توان گفت در اکثریت قریب به اتفاق متون، وجه اخباری بر سایر وجوه غلبه دارد. از این رو فراوانی وجه اخباری خود نشان‌دهنده چیزی نیست؛ بلکه کارکرد این وجه در متن مهم است. در تحیات‌ها وجه‌های اخباری برای بیان اشتیاق نویسنده، توصیف مقام مخاطب، اعلام دریافت نامه و مانند این کاربرد دارد. وجه تمنّایی در دعاهای صدر و پایان مکتوب به کار می‌رود. برخی ساخت‌های التزامی در صدر نامه و برای بیان سلام و دعا به کار رفته‌اند: «سلامی که قواعد آن از صرصر ساعی نمّام تزلزل نپذیرد و خدمتی که مبانی محبت آن از منجنیق حاسد فتّان تخلخل نبیند ... به حضرت خداوندگار ... اصدار می‌افند»

جدول وجهیت در دعوت‌نامه‌ها

امری	تمنّایی	التزامی	اخباری	
۱	۰	۲	۳۰	نامه ۱۴
۲	۰	۰	۱۴	نامه ۲۸
۱	۰	۲	۱۰	نامه ۴۱
۱	۰	۳	۸	نامه ۴۶
۱	۰	۳	۷	نامه ۵۰
۶	۰	۱۰	۶۹	مجموع

درصد فراوانی وجه اخباری در دعوت‌نامه‌ها نسبت به تحیت‌ها بیشتر است، زیرا وجوه تمنّایی و التزامی در دعوت‌نامه کم هستند. برای این مسئله می‌توان به چند دلیل اشاره کرد:

۱. در تحیت بخشی از نامه به سلام و دعا اختصاص دارد؛ ولی در دعوت‌نامه‌ها نویسنده مستقیماً سر اصل مطلب می‌رود و به توصیف مجلس و باغ می‌پردازد. از این رو وجه تمنّایی و التزامی - که در دعاها کاربرد دارند- در این نامه‌ها وجود ندارند یا اندک هستند. اکثر جملات توصیفی هستند و فعل آن‌ها اخباری است.

۲. در تحیت‌ها مخاطب مقام بلندی دارد. نویسنده به عرض سلام و دعا به او اکتفا می‌کند و تقاضا و درخواستی از او ندارد. ولی مخاطب دعوت‌نامه‌ها دوست نزدیک کاتب هستند - چرا که می‌توان با یک نامه کوتاه و بی‌تشریفات آن‌ها را به میهمانی دعوت کرد. به همین سبب در این نامه‌ها یک یا دو جمله با وجه امری وجود دارد که محتوای آن درخواست حضور مخاطب در میهمانی است.

### ۳.۱.۶ صدای دستوری

بخشی از رابطه سبک و اندیشه در صدای دستوری بازتاب می‌یابد. صدای دستوری عبارت است از رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرآیند فعلی. صدای دستوری در کنار دیگر وجوه فعل مانند زمان، نمود، وجهیت و حالت شناخته می‌شود. معمول‌ترین صداهای دستوری عبارت‌اند از:

الف) صدای فعال (Active Voice) بیانگر انجام یک عمل توسط عنصر اصلی جمله (نهاد) است. وقتی نهاد جمله کنش‌گر یا عامل فعل باشد، جمله صدای فعال و مؤثر دارد.

ب) صدای منفعل (Passive Voice) وقتی مبتدای جمله پذیرنده، هدف یا متحمل فعل باشد، جمله صدای منفعل و پذیرا دارد. در زبان فارسی این ساخت‌ها صدای منفعل دارند: جمله‌های اسنادی، جمله‌های مجهول و جمله‌های شبه‌مجهول، وجه مصدری و فعل لازم.

ج) صدای انعکاسی: وقتی در جمله فاعل و مفعول یا مبتدا و خبر یک مرجع دارند، صدای نحو انعکاسی می‌شود.

د) صدای میانی: این صدا در جمله‌ای است که فعل لازم در آن ظاهری فعال دارد، ولی یک کار منفعل را توصیف می‌کند. مثل «غذا سوخت.»

۱۴۲ تحلیل سبکی روضة الكتاب با تکیه بر مقایسه تحیات و دعوت‌نامه‌ها

ه) صدای دوجانبه: در جمله‌ای شنیده می‌شود که فاعل و مفعول فعلی را به صورت متقابل اجرا می‌کنند.

و) صدای سببی: در این نوع صدا، نهاد جمله سبب وقوع فعل است نه کنش‌گر و فاعل واقعی. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۵-۳۰۱)

جدول صدای نحوی در تحیات‌ها

تحیات‌ها	صدای فعال	صدای منفعل	صدای میانی	صدای سببی
نامه ۱	16	15	۲	۴
نامه ۴	۴	۲۶	۲	۰
نامه ۱۰	۹	۲۵	۱	۳
نامه ۳۰	۷	۱۱	۱	۱
مجموع	۳۶	۷۷	۶	۸

صدای منفعل در تحیات حدوداً دو برابر صدای فعال و چهار برابر صدای سببی است. علت فراوانی صدای منفعل نسبت به صدای فعال، تواضع مخاطب و استفاده او از جملات مجهول و اسنادی است.

جدول صدای نحوی در دعوت‌نامه‌ها

صدای سببی	صدای منفعل	صدای فعال	نام
۴	۲۲	۸	نامه ۱۴
۰	۷	۹	نامه ۲۸
۰	۱۶	۴	نامه ۴۱
۰	۷	۵	نامه ۴۶
۰	۷	۵	نامه ۵۰
۴	۵۹	۳۱	مجموع

در دعوت‌نامه‌ها صدای منفعل دو برابر صدای فعال و دوازده برابر صدای سببی است. غلبه صدای منفعل در دعوت‌نامه‌ها علت متفاوتی دارد: جمله‌ها در دعوت‌نامه‌ها اسنادی و توصیفی هستند و عملی انجام نمی‌شود. در نتیجه هر چند صدای نحوی در هر دو نوع یکسان است، اما علت آن در هر نوع متفاوت است.

## ۲.۶ لایه واژگانی

در بررسی لایه‌های واژگانی متون، مواردی چون بافت (رسمی / محاوره‌ای)، ابداع، نشان-داری واژگان، ذهنی و حسّی بودن آنها و رمزگان‌ها بررسی می‌شوند.

### ۱.۲.۶ واژه‌سازی و واژه‌گزینی

هر دو دسته از نظر بسامد واژگان عربی یکسان هستند. به سیاق متون نثر فنی از مترادف‌ها و کلمات عربی بسیار استفاده شده است؛ اما کلمات مورد استفاده شاذ و برساخته مولف نیستند.

### ۲.۲.۶ حسّی و ذهنی بودن واژگان

مقصود از واژگان حسّی، واژگانی است که بر مفهومی فیزیکی و ملموس دلالت دارند. واژگان ذهنی بیانگر مفاهیم انتزاعی و ناملموس هستند.

جدول واژگان حسّی و ذهنی تحیت‌ها

ذهنی	حسّی	
۱۲۳	۱۱۲	نامه ۱
۱۳۷	۱۱۸	نامه ۴
۶۶	۸۳	نامه ۱۰
۴۵	۵۴	نامه ۳۰
۳۷۱ (۵۰.۲٪)	۳۶۷ (۴۹.۸٪)	مجموع

تعداد واژگان حسّی و ذهنی در تحیات معیار و الگوی مشخصی ندارد. یعنی نمی‌توان گفت که لزوماً و قاعدتاً در تحیات یکی از این دو دسته بر دسته دیگری غلبه دارد. هر چند مفاهیم ذهنی‌ای چون ارادت، اشتیاق، اغراض، آرزو، رفعت و مانند این در تحیات بسیار مطرح می‌شوند، ولی واژگان حسّی‌ای که صدر در ساختارهای تشبیهی فراوان خود به کار می‌برد، سبب ایجاد تعادل بین این دو دسته می‌شود.

جدول واژگان حسّی و ذهنی دعوت‌نامه‌ها

ذهنی	حسّی	
۲۵	۱۲۲	نامه ۱۴

۱۴۴ تحلیل سبکی روضه الكتاب با تکیه بر مقایسه تحیات و دعوت‌نامه‌ها

۲۳	۶۳	نامه ۲۸
۱۸	۴۱	نامه ۴۱
۱۱	۳۹	نامه ۴۴
۲۴	۴۰	نامه ۴۶
۱۰۱ (۲۵٪)	۳۰۵ (۷۵٪)	مجموع

در دعوت‌نامه‌ها واژگان حسّی غلبه چشمگیری دارند؛ زیرا بیشتر واژگان این متن در ارتباط با پدیده‌های طبیعی و جشن و سرور هستند. برخلاف تحیات الگوی حسّی و ذهنی بودن واژگان در این گونه متون کاملاً قابل‌پیش‌بینی است.

### ۳.۲.۶ رمزگان‌ها

تفاوت در موضوع، تفاوت در رمزگان‌ها را نیز به دنبال دارد. واژه‌های مورد استفاده نویسنده علاوه بر بیان موضوع، در فضا سازی و تأثیر متن بر مخاطب نیز کاربرد دارند. در تحیات، واژه‌ها از نظر رمزگان پراکنده هستند. یعنی از میان نزدیک به دویست واژه، حدود شصت واژه می‌توانند در زیرمجموعه رمزگان‌های شاخص طبقه‌بندی شوند.

جدول رمزگان‌های تحیات

نظامی	علم و فضل	قدرت	عاطفی	طبیعی	
۲	۱۵	۱۰	۱۵	۱۰	نامه ۱
۰	۲۷	۲	۲۱	۱۴	نامه ۴
۴	۰	۱۸	۶	۱۳	نامه ۱۰
۰	۸	۶	۱۱	۱۰	نامه ۳۰
۶	۵۰	۳۶	۵۳	۴۷	مجموع

همچنان که مشاهده می‌شود در تحیات رمزگان‌های عاطفی - که اکثراً بیانگر اشتیاق به دیدار مخاطب و امیدهای نویسنده برای ملاقات است - بالاترین بسامد را دارد. در نامه دهم که خطاب به «امیر السّواحل» که قاعدتاً مقام حکومتی بلندپایه‌ای بوده است نوشته شده، بسامد رمزگان عاطفی پایین‌تر است و در عوض رمزگان‌های قدرت نسبت بیشتری دارند. رمزگان‌های طبیعی با این که در درجه سوم قرار می‌گیرند فراوان هستند و بیشتر در تشبیه‌ها به عنوان مشبّه استفاده شده‌اند.

جدول رمزگان‌های دعوت‌نامه‌ها

عشرت	طبیعی	
9	33	نامه ۱۴
۷	۲۴	نامه ۲۸
۴	۱۸	نامه ۴۱
۴	۹	نامه ۴۴
۱۴	۸	نامه ۴۶
۳۸	92	مجموع

در دعوت‌نامه‌ها پراکنندگی رمزگان‌ها چندان مشاهده نمی‌شود. اکثر واژگان در یکی از دو دسته رمزگان‌های عشرت و رمزگان‌های طبیعی جای می‌گیرند. بسامد رمزگان‌های طبیعی بالا و بیش از دو برابر و نیم رمزگان‌های عشرت و خوش‌باشی است. علت این امر، همان‌طور که پیشتر گفته شد، توصیف مجلس و تصویرسازی برای مخاطب است، زیرا آن‌گونه که از نامه‌ها برمی‌آید همه این مجالس - جز یکی که در پاییز است - در فصل گل و در میان باغ برگزار شده‌اند و توصیف و تصویر آن برای مخاطب، نیاز به استفاده از واژگانی دارد که مرتبط با طبیعت‌اند. همچنین رمزگان‌های عشرت (مانند می، ساقی، عیش، صراحی و ...) توصیف‌گر مجلس انس هستند.

### ۳.۶ لایه بلاغی

مهم‌ترین - و نه لزوماً بیشترین - تفاوت‌های دو نوع نامه در این لایه آشکار می‌شود. پیش از بررسی خصوصیات بلاغی این دو دسته از منشآت؛ نخست بهتر است که به تعریف معاصران از نثر فنی توجه کنیم.

استاد بهار نثر فنی را نثری می‌داند که به شعر شباهت دارد از لحاظ

استعمال صنایع و تکلفات صوری و سجع‌های مکرر و آوردن جمله‌های مترادف‌المعنی و مختلف‌اللفظ؛ و در همان حال برای اظهار فضل و اثبات عربی‌دانی الفاظ و کلمات تازی بی‌شمار به کار برده شد و شواهد شعریه از تازی و پارسی بسیار گردید و تلمیحات و استدلالات از قرآن کریم پدید آمد (بهار، ۱۳۸۲: ۲۴۸)

شمیسا در توصیف نثر فنی «مخیل بودن و زبان تصویری» را نیز به این خصوصیات می‌افزاید (شمیسا، ۱۳۸۴: ۷۶)

این توصیف‌ها خصوصیات کلی نثر فنی را نشان می‌دهد؛ اما لازم است به این نکته توجه شود که نثر فنی از نظر موضوعی انواعی دارد: متون توصیفی و داستانی (مانند کلیله و دمنه یا مرزبان نامه)، متون تاریخی (مانند تاریخ جهانگشا)، منشآت و نثرهای علمی و ادبی. بسامد خصوصیات یادشده در همه این انواع یکسان نیست. مثلاً در متون توصیفی و داستانی، جنبه‌های مخیل بودن و زبان تصویری بیش از متنی مانند مقدمه المعجم شمس قیس رازی است. منشآت از نظر تصویر و تخیل در مرتبه‌ای پایین‌تر از نثرهای توصیفی و داستانی قرار می‌گیرند. انواع منشآت نیز از نظر صنایع ادبی مراتبی دارند؛ مثلاً در نامه‌های دیوانی و سلطانیات، صور خیال بسیار کم است و بیشتر به صنایع بدیعی پرداخته شده است.

نویسندگان کتب آیین دبیری در مورد صنایع مورد استفاده دبیر توضیح داده‌اند. در قرن ششم هجری کتابی در آیین ترسل نوشته شد که بسیاری از معیارهای رایج برای کتابت در مقدمه آن بیان شده است. نویسنده این کتاب، کاتب سمرقندی، احتمالاً همان ظهیری سمرقندی مؤلف سندبادنامه و اغراض‌السیاسه است. (□ صفری آق‌قلعه، ۱۳۸۸: ۳۵) کاتب سمرقندی، نثر منشیانه را به شعر نزدیک می‌داند و می‌نویسد:

چون علم کتابت نزدیک است به علم شعر، دبیر را حاجت آید به دانستن چند چیز که در کتابت استعمال کرده‌اند، اول معنی سجع که از بانگ قُمری گرفته‌اند و آن دو گونه است، یکی متوازی و متساوی و دوم متوازن و متقابل... دیگر دانستن مجاز و استعارت... و دیگر تشبیه است و تشبیه مانده کردن بود چیزی را به چیزی به حکم ماندگی به همگی یا به بعضی... دیگر ترصیع است و آن کلمات مرکب باشد چون متوازی و متساوی چون منبع عدل و منهل فضل... و دیگر اغراق صنعت و او دور در رفتن بود به صفت چیزی چنان که گویی در مدح کسی آفتاب نور از رای او می‌برد... دیگر تنسیق صفات است... دیگر مراعات نظیر است و این جمع کردن بود میان که به یکدیگر نزدیک بوند... دیگر مراعات اضداد است چون روز و شب و کم و بیش چنان که گویی: رای او از روشنی در تاریکی غیب راه برد، یا زخم کویال او از آب آتش افروزد و این صنعت غریب و دشوار است (کاتب سمرقندی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۷)



هر چند کاتبان این اصول را پیش چشم داشتند، ولی برداشت و نوع استفاده هر کاتب از آن‌ها متفاوت بود. همین سبب می‌شود که میان نامه‌های رشید و طواط و منشآت خاقانی تفاوتی اساسی مشاهده شود.

روضه‌الکتاب از نظر بلاغی متن شاخصی نیست - منظور از تشخیص آن ویژگی است که با آن می‌توان یک نامه خاقانی را در میان صدها نامه دیگر و کلیله و دمنه را در میان صدها کتاب دیگر تشخیص داد - از نظر بلاغت با نمونه‌هایی که معاصر و هم‌سرزمین او حسام خوبی در کتب آیین دبیری خود به عنوان نمونه آورده است تفاوت چندانی ندارد؛ هر چند هم‌چنان که ادامه خواهد آمد، بسامد بالای صور خیال از ویژگی‌های برجسته آثار اوست. با این حال همه نامه‌های روضه‌الکتاب از نظر صنایع بلاغی در یک سطح نیستند و اتفاقاً بلاغت علاوه بر موضوع از وجوه مهم تمایز نثر دعوت‌نامه‌ها از تحیات است. در ادامه، به توصیف کلی ساختار بلاغی نامه‌ها می‌پردازیم و سپس خصوصیات هر یک از دو دسته را برمی‌شمریم.

### ۱.۳.۶ بیان

**تشبیه:** می‌توان گفت تشبیه در میان عناصر بیانی بیشترین بسامد را در متن روضه‌الکتاب دارد. وجود تشبیهات فراوان سبب شده است که نامه‌های قونیوی از نظر تصاویر غنی باشند. از نظر ذکر کردن وجه شبه، تشبیهات مفصل بیشتر در سلام نامه به کار رفته‌اند. سایر تشبیهات بیشتر مجمل و اضافه تشبیهی هستند.

تشبیهات به کار رفته، بیشتر از نوع عقلی به حسی هستند؛ به عبارتی دیگر نویسنده می‌کوشد تا مفاهیمی چون فراق، وصال، غم و شادی، اندیشه و خاطر و امثالهم را به مفاهیمی محسوس تشبیه کند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر نیز استناد کرد:

شیاطین غرور، مرده طغیان، راید نوایب، سموم افتقار (ص ۷) گرد تغیر، خاشاک تکدر (ص ۸) صبح سعادت (ص ۹) حله مطرز آن مهم خطیر، لباس خدمت (ص ۱۰) صبح کامرانی، دریای اشتیاق، ساحل نجات (ص ۱۱) آینه ضمیر، سموم هموم مشتاقان (ص ۱۵) جام اشتیاق (ص ۱۶) فراشان تقدیر، جاروب احترام، گلاب احتشام (ص ۴۹) شراب‌خانه دنیا، جبل اضطبار (ص ۵۳) مرغ خیال، آتش اکاذیب، تازیانه مذلت، کاسه آز (ص ۱۰۰) و...

می‌توان گفت به ندرت صفحه‌ای از کتاب را می‌توان یافت که در آن حداقل دو یا سه اضافه تشبیهی به کار نرفته باشد.

**استعاره:** استعاره نسبت به تشبیه در روضه الکتاب بسامد بسیار کمتری دارد. استعاره‌های مصرّحه اکثراً در وصف مخاطب است:

- در وصف مخاطب: «مدتی است که از آن گلستان فضایل بویی ندیدم و از آن روضه معالی نسیمی نوزید و از آن کشور محامد بریدی نرسید و از آن سحاب مکارم قطره- ای نبارید.» (همان: ۱۱۲)

- در وصف مخاطب: «هر که روزی در عداد بندگان آن حضرت آمد ... از آن دریای مکرمت و آفتاب سیادت محظوظ شد.» (همان: ۱۱۸)

- در باب وفات بزرگی: «حق علیم است که چون استماع افتاد که آن دریای فضیلت غایر گشت و آن آفتاب سیادت منکسف شد و آن روضه معالی به ذبول انجامید و آن کشور فضایل و دیار ایادی خالی ماند...» (همان: ۱۱۹)

در مورد استعاره‌های مکنیه، نویسنده بیشتر گرایش به استعاراتی دارد که مستعارمنه آن‌ها انسان است. (تشخیص)

«رخسارهٔ آمال گلگون و سینهٔ بدسگال چون دل لاله پر خون.» (همان: ۱۸)

«چهرهٔ گل چون بناگوشان خوبان مورد و گیسوی بنفشه چون زلف ایشان مجعّد.» (همان: ۹۷)

«دقایقی چند از زبان قلم تحریر می‌افتد...» (همان: ۸۹)

تصاویری که قونیوی با تشبیه و استعاره می‌سازد، هر چند متعدد هستند ولی به ندرت می‌توان تصویری تازه و خلاقانه در آن یافت. او از میراث تصویری نیاکان خود استفاده می‌کند.

### ۲.۳.۶ بدیع

هم‌چنان که در متن بازگوشده از غرةالفاظ آمد، صنایع بدیعی رایج در نامه‌نگاری سجع، جناس، مراعات نظیر، تضاد، اغراق و تنسیق‌الصفات هستند. این صفت قابل تعمیم به روضه الکتاب نیز هست.

**بدیع لفظی:** هنری‌ترین روش سجع در سطح واژه، سجع متوازی است؛ یعنی هم‌وزن بودن کلمات و اشتراک آن‌ها در حرف روی. این روش را به کرات در نامه‌های قونیوی می‌توان مشاهده کرد. با این حال او بر خود تکلفی ننهاد و واژگان شاذ به کار نبرده است و

از اسجاع متوازن (اشتراک واژگان در وزن) و سجع مطرف (اشتراک واژگان در روی) برای افزایش موسیقی کلام، به خصوص در جمله‌هایی که از نظر دستوری مشابه و متقارن هستند بیشتر بهره برده است.

در مورد روش تسجیع در سطح کلام، موازنه و مماثله به ندرت به کار رفته‌اند. اعنات‌القرینه یا تضمین‌المزدوج (هماهنگ کردن جملات به وسیله رعایت قافیه در پایان هر جمله یا تقابل اسجاع در حشو جمله) از صنایع پرکاربرد در نامه‌ها، علی‌الخصوص نامه‌هایی که نثر متکلف‌تری دارد، است. با این حال همان‌طور که در مثال‌های فوق نیز مشهود است قونیوی در این شیوه هم راه تکلف را نیپیموده است. جناس بر خلاف سجع از صنایع بدیعی کم‌کاربرد در روضة‌الکتاب است. علت این کمی کاربرد را می‌توان دوری نویسنده از تکلف دانست.

**بدیع معنوی:** اغراق از خصوصیات نامه‌های قونیوی، به خصوص نامه‌هایی که به بزرگان می‌نویسد و نیز فراق‌نامه‌ها است. بارزترین موارد کاربرد اغراق در نامه‌ها را می‌توان وصف مخاطب، توصیف سلام و درودهای خود به او و شرح اشتیاق دانست.

تناسب و تضاد از آرایه‌هایی هستند که تقریباً در هر صفحه و هر نامه روضة‌الکتاب به کار رفته‌اند. او می‌کوشد تا این تناسب را در تصاویر خود نیز رعایت کند. در شمارش تناسب‌ها از کلمات مترادفی که در نثر فنی معمول است صرف‌نظر کرده و صرفاً هم‌نشینی واژگان غیرمترادف و متناسب را در شمار آورده‌ایم.

### ۳.۳.۶ صنایع ادبی در تحیات و دعوت‌نامه‌ها

جدول صنایع بیانی تحیات

کتابه	استعاره	تشخیص	تشبیه	
۱	۹	۷	۳۷	نامه ۱
۵	۶	۶	۳۵	نامه ۴
۴	۳	۹	۱۹	نامه ۱۰
۲	۳	۰	۱۲	نامه ۳۰
۱۲	۲۱	۲۲	۱۰۳	مجموع
158(٪۵۲)				درصد کل

جدول صنایع بدیعی تحیات

نامۀ	سجع	تضمین المزدوج	جناس	اشتقاق	تناسب
نامۀ ۱	4	10	0	1	14
نامۀ ۴	7	28	2	4	14
نامۀ ۱۰	4	14	1	0	5
نامۀ ۳۰	۵	۱۱	۰	۰	۹
مجموع	۲۰	۶۳	۳	۵	۴۲
درصد کل	۱۳۳ (%۴۸)				

در تحیات بیان و بدیع پایه‌پای هم پیش می‌روند. در میان صنایع بیانی غلبه با تشبیه است؛ ولی در میان صنایع بدیعی تناسب و تضمین‌المزدوج بیشترین تعداد را دارند. همچنان که پیشتر گفته شد، ذهن صدر قونیوی ذهنی تصویرساز است و از تشبیه و تشخیص در نوشتار خود فراوان بهره می‌گیرد. بخش زیادی از صنایع بیانی متن در قسمت صدر مکتوب آمده است که اغلب از نوع تشبیه تفضیل و عقلی به حسّی هستند و مشبه آنها «سلام» یا «دعا» است.

جدول صنایع بیانی دعوت نامه‌ها

نامۀ	تشبیه	تشخیص	استعاره	کنایه
نامۀ ۱۴	20	14	10	8
نامۀ ۲۸	۱۲	۳	۲	۰
نامۀ ۴۱	14	0	4	4
نامۀ 46	۹	۲	۱	۲
نامۀ 50	۱۲	۱	۰	۵
مجموع	۶۷	۲۰	۱۷	۱۹
درصد کل	123 (%۵۹)			

جدول صنایع بدیعی دعوت‌نامه‌ها

نامۀ	سجع	تضمین المزدوج	جناس	اشتقاق	تناسب
نامۀ ۱۴	4	8	1	3	14
نامۀ ۲۸	۱	۷	۰	۱	۷

5	0	0	7	7	نامه ۴۱
۲	۰	۰	۶	۵	نامه 46
۱	۰	۰	۷	۱	نامه 50
۲۹	۴	۱	۳۵	۱۸	مجموع
87(٪۴۱)					درصد کل

به عکس، در دعوت‌نامه‌ها، بیان بر بدیع غلبه دارد و صورخیال در متن فراوان هستند. تشبیه‌ها غالباً حسّی به حسّی هستند و عناصر مجلس انس را شامل می‌شوند؛ مانند تشبیه شکوفه‌ها به آفتاب تابان، ساقی به ماه، باد صبا به فرّاش و مانند این. تشخیص - که از زمان رودکی از آرایه‌های مرسوم در وصف بهار بوده است - در این نامه‌ها هم به وفور مشاهده می‌شود.

به زعم نگارنده، تکلف متن در بدیع بیشتر از بیان نموده می‌شود. زیرا نویسنده از گنجینه واژگان خود بیشترین بهره را می‌برد تا تناسب‌های آوایی و لفظی ایجاد و خواننده را متوجه فضل و دانش خود کند؛ همین سبب پیچیدگی و دیریاب شدن متن می‌شود. اما بیان به تخیل و تصویر وابسته است و جنبه‌های هنری و تخیلی متن را تقویت می‌کند. به همین علت، خواننده احتمالاً با دعوت‌نامه بیش از تحیت ارتباط برقرار می‌کند، زیرا ساده‌تر است و تصویرآفرینی بیشتری دارد.

## ۷. نتیجه‌گیری

در بررسی نامه‌های روضة الکتّاب، دو نوع دعوت‌نامه و تحیات جلب توجه می‌کنند. نخستین دسته به سبب فضا و موضوع متفاوت و دسته دوم به سبب کثرت و غلبه بر انواع دیگر اخوانیه.

در سبک‌شناسی لایه‌ای متن به این نتیجه رسیدیم که این دو دسته، به رغم اشتراک نویسنده و موضوع کلی، در لایه‌های سبکی با هم اندکی تفاوت دارند. این تفاوت اندک، از تفاوت موضوع و هدف نامه ناشی می‌شود و در ارتباط متن با خواننده تأثیر دارد. در سطح واژگانی، تحیات بیشتر از واژگان ذهنی بهره می‌برند ولی واژگان حسّی در دعوت‌نامه‌ها غلبه دارد. در تحیات رمزگان خاصّی غالب نیست و رمزگان‌های اصلی طبیعی، ادبی و مربوط به قدرت هستند؛ اما در دعوت‌نامه‌ها رمزگان طبیعی چیره است.

در سطح نحوی، در تحیات جمله‌های پیچیده در رکن صدر مکتوب و شرح اشتیاق به کار رفته‌اند و بر تکلف متن افزوده‌اند. در دعوت‌نامه‌ها جمله‌ها کوتاه‌تر و بیشتر هم‌پایه هستند و با حرف ربط «و» به هم متصل شده‌اند. از نظر وجهیت و صدای نحوی هر دو نوع نامه در وضعیت مشابهی هستند. در وجهیت، غلبه با وجه اخباری و در صدای دستوری، غلبه با صدای منفعل است.

در سطح بلاغی، در دعوت‌نامه‌ها بیان و صور خیال غلبه دارد، در حالی که در تحیات بیشتر بدیع به کار رفته است.

در نتیجه می‌توان گفت که دعوت‌نامه‌ها به علت ساده‌تر بودن ساختمان جمله‌ها، استفاده از رمزگان طبیعی، و استفاده از صور خیال، با خواننده ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. حسین خطیبی در کتاب فن نثر می‌نویسد که چنانچه نامه با شرح اشتیاق آغاز شود، شرح اشتیاق را جزئی از صدر مکتوب در نظر می‌گیریم. با این حال به عقیده نگارنده بهتر است شرح اشتیاق را در هر صورت جداگانه از صدر مکتوب در نظر بگیریم و در مواردی که نامه با شرح اشتیاق آغاز می‌گردد قائل به حذف صدر مکتوب باشیم.

۲. نیز ص ۳۶، ۳۳، ۳۰، ۲۸، ۲۱، ۱۴، ..

۳. لازم به ذکر است که اصل متن بسیار مطول‌تر است و در شاهد‌های ذکر شده حدوداً یک سوم آن آمده است.

۴. استعارة دستوری یا «اسمیدن» از ساخت‌های دستوری است که صدای نویسنده را پنهان می‌کند و آن عبارت است از تبدیل جمله یا بند فعلی به بند اسمی. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۷-۲۹۸)

۵. دکتر فتوحی برای انواع فعل لازم تقسیم‌بندی‌ای قائل نشده‌اند، ولی کنش نهاد فعل «رفتن» با نهاد فعل «افتادن» متفاوت است، و از این رو به عقیده نگارنده باید گفت برخی افعال لازم که دارای کنشی هستند مانند «آمدن، رفتن، خوابیدن» صدای فعال و برخی دیگر مانند «مردن، سوختن، رنجیدن» که نهاد آن کنشی را انجام نمی‌دهد، صدای منفعل دارند.

۶. خوبی، ۱۳۷۹: ۲۶۲-۲۸۲، ۳۱۸-۳۳۹

### کتاب‌نامه

آفاگل‌زاده، فردوس و پوراابراهیم، شیرین (۱۳۸۷). «بررسی زبان‌شناختی دیدگاه روایتگری داستان روز اوّل قبر صادق چوبک در چارچوب مدل سیمپسون»، *نقد ادبی*، سال اوّل، شماره سوم، صص ۷-۲۸

- احمدی دارانی، علی‌اکبر و هراتیان، اکرم (۱۳۹۰). «حافظ‌نامه: ردیابی برخی از ترکیبات و مضمون‌های شعر حافظ در نامه‌های اخوانی و دیوانی»، *بوستان ادب*، سال سوم، شماره ۸، صص ۱-۲۴ بهار، محمدتقی (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی*، تهران: امیرکبیر
- خطیبی، حسین (۱۳۸۶). *نخن*، نشر، تهران: زوار
- خویی، حسام (۱۳۷۹). *مجموعه آثار، تصحیح صغری عباس‌زاده*. تهران: میراث مکتوب
- ریاحی، محمدمبین (۱۳۶۹). *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: پازنگ
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). *سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا*
- فتوحی، محمود (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن
- صدر قونیوی، ابوبکر بن زکی (۱۳۴۹). *روضه‌الکتاب و حدیقه‌الالباب*، تصحیح میروودود یونسی، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۳/۱، تهران: فردوس
- صغری آق‌قلعه، علی (۱۳۸۸). «غرة الالفاظ و نزهة الالحاظ، اثری از ظهیری سمرقندی و بیتی تازه‌یاب از محمد عبده»، *گزارش میراث*، سال چهارم، شماره ۳۴، صص ۳۵-۳۸
- کاتب سمرقندی، علی بن محمد (۱۳۹۳). *غرة الالفاظ و نزهة الالحاظ*، تصحیح یوسف بیگ باباپور، تهران: منشور سمیر
- کردچگینی، فاطمه (۱۳۹۱). *بررسی انتقادی سبک‌شناسی در ایران و پیشنهاد اصول بررسی سبکی (با تاکید بر کتاب سبک‌شناسی اثر پاول سیمپسون)*، راهنما تقی پورنامداریان، پایان‌نامه دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مفتاح، الهامه و ولی، وهاب (۱۳۷۴). *نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در ترکیه*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
- میهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۸۹). *آیین دبیری*، تصحیح اکبر نحوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.